

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از بحث هایی که در عبادات به ویژه عبادات جمعی باید به آنها توجه کرد این است که آن عبادت را به عنوان پرچم و علم گذاشته اند. نه اینکه عبادت تمام شد بروید و فضای ناشی از عبادت را برای خودتان امتداد ندهید. این دو آیه که هم در بحث حج است و هم در بحث نماز خوف. سوره مبارکه نساء آیه ۱۰۳ در جنگ با دشمن نماز جماعت خوف را چگونگی را میگوید. می پوید اسلحه را فقط می توانید زمین بگذارید و حرز و سپر را باید نگهدارید. **فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ** وقتی نماز تمام شد باید نماز و روح نماز امتداد پیدا کند. وقتی نماز تمام شد **فَادْكُرُوا اللَّهَ فِيمَا وَفَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ** یعنی میان جنگ خدا را یاد کنید. اما آن نماز خوف جماعت را گذاشته اند که پیام اصلی قضیه امتداد پیدا کند. یعنی وقتی جنگ تمام شد روحیه نماز را در جنگتان هم حفظ کنید. این نکته ای است که ما توجه نمی کنیم. عبادت که تمام میشود آن را کنار میگذاریم. در صورتیکه عبادت را گذاشته اند که در زندگی امتداد پیدا کند.

در مساله حج هم آیه ۲۰۰ بقره که قبل از آن به عرفات و مشعر میردازد که در جای خود در مورد این آیات فوق العاده صحبت خواهیم کرد. **ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * فَإِذَا قَضَيْتُم مِّنْكُمْ حِلًّا** تمام شده است چه کنیم؟ **فَإِذَا قَضَيْتُم مِّنْكُمْ حِلًّا** این از همان گلوگاه های بعد از حج است که آدمها حجتان تمام شده است. انگار آدمها همه یک هو خاموش می شوند. این همان جایی است که خدا دست گذاشته است **فَإِذَا قَضَيْتُم مِّنْكُمْ حِلًّا فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا** خدا را طوری یاد کنید که از پدرتان بیشتر باشد. آیه مظلومانه ای است. انگار بعد از تمام شدن حج حاجی را از برق می کشند و دیگر مشغول بحث دنیا و تجارت و قیمت دلار میشود. یعنی حاجی در عذفات و مشعذ یک حال دارد در رمی و قربانی و سر تراشیدن یک حال دارد در **قَضَيْتُم مِّنْكُمْ حِلًّا** چیز دیگری است. بخ یکباره دنیا بتمامه بر انسان غلبه میکند. اساس دنیا و یاد آن در وجود ما وجود دارد. برای همین است که آمادگی حج باید خیلی از قبل در آدم به وجود آمده باشد. وگرنه وقتی وضعیت درونی انسان خال باشد و پر از خلاء باشد یک باره با فشار بالا دنیا دوباره در آدم میریزد. انسان باید با مراسم حج و قبل از آن پر شود که وقتی از آن حالت حج خارج شد طوری نباشد که تا این حد دنیا در او بریزد.

یکی از گذرگاه های بحث حج همین زمانی است که حج تمام میشود. زمانیکه حج تمام میشود دنیا و خریدها پیش می آیند. کسانی که خرید نکرده اند انگار باید بروند خریدهایشان را انجام بدهند. اعمال حج که زمان چندان زیادی ندارد. تقریباً دو روز است. از ظهر روز نهم شروع میشود. از یک ماه قبل هم باید بروند اما اعمال دو الی سه روز بیشتر نیست. وقتی که مناسک تمام میشود آدمی که تو خالی است آنجا به شدت خودش را نشان میدهد. وقتی که مناسک تمام میشود انگار از فضای خلاء خارج میشوند. با فشار بالا دنیا دوباره در انسان برمیگردد. به تمام مناسبات دنیوی و تابلوی افتخارات خودش و حرفهای دنیوی زدن برمیگردد. انگار مثل معتادانی که به مناسبتی اندکی از ماده اعتیادیه جدا شده بودند میبینید که این حالتها اینگونه باز در اینها بروز میکند. آن زمان نشان می دهد که **فَمِنَ النَّاسِ** یعنی یک عده هستند که در اینجا **مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِن خَلْقٍ** دنبال دیاست. مناسک انجام شده اما دوباره میگوید **رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا** اصلاً حسنه هم نمیخواهد. فقط خدا بده. یعنی کاملاً ارتباط با خدا برای دنیا.

وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۲۰۱ بقره * **أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ**. اینها همان کسانی هستند که واقعا نصیب برده اند از حج. پس ما حج بی نصیب، عبادات بی نصیب و ماه رمضان بی نصیب هم داریم. انسان خودش اگر به خودش نپردازد در این فضاهای خلاء قرار میگیرد و یک حس و حالی برایش ایجاد میشود اما به محض اینکه از آنجا خارج می شود میبینید که بی نصیب میشود. در مقابل کسانی که **لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ**.

این یک تذکر جدی است برای راجع به بحث های عبادات و فضاهای عبادی که دین درست میکند. مثل ماه رمضان و ایام حج که اینها گفته میشوند که ان شاء الله ایام حج یک گارد حج بگیرید. یعنی یک مقدار حس حج که از عرفات شروع میشود و آنجا سفارش اکید به دعا هست، آماده شوید که از روز نهم به حج تشریف ببرید. پایان بندی مناسک. باید تو پر بشوم وگرنه حج بی روح شود و من آماده نباشم دنیا با سرعت بالاتری به آدم حمله میکند. مثل معتادی که مدتی به ماده اعتیادی دست پیدا نکرده است و دست پیدا میکند. وقتی دست پیدا می کند دیگر اوردوز می کند. بله میشود امتداد داد. اصلاً پیوسته موافقی گذاشته اند که شما امتداد دهید. یعنی با یک روحيات جمعی، شبهای جمعه، روزه های سه روز در ماه و همه اینها برای امتداد دادن است. البته هیچگاه مثل ماه رمضان نمی شود همانطور که همیشه المپیک نیست. ولی اینگونه هم نیست که ورزشکاران المپیک از این المپیک تا المپیک بعدی که چهار سال بعد است فقط میخورند و می خوابند و دوباره در المپیک حاضر میشوند. اصلاً اینگونه نیست. اینها پیوسته مسافرت و مسابقات آزمایشی، تمرینی و دوستانه میروند و آمادگی های لازم را کسب میکنند. بله وزن مدنظرشان در المپیک را نمی زنند مثل ماه رمضان که شرایط خاص خود را دارد.

هیچگاه مثل ماه رمضان نمیشود اما برای مثال عرفه من لم یغفر له فی شهر رمضان لم یغفر له فی شهر رمضان **إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ** اگر کسی توانست در عرفات باشد که حضور امام حس میشود در عرفات، در آن صحرا، در جبل الرحمه. عرفات جایی است که

آدم آمد توبه کرد. تلقی کرد کلماتی را که توبه آدم در عرفات بود. درست است که هیچ جایی عرفات نمی شود ولی ما بیچارگان دست خالی اینجا نباید عرفه را از دست بدهیم. کسی که تمام مسابقات آزمایشی را رها کرده است، نه نمازی نه قرانی نه نماز شبی نه عرفاتی نه شب جمعه ای خودش را رها کرده است. اتفاقاً اینها چیزهایی است که به یکباره مثل بومرنگ به طرف صورت برمیگردند. مثل خلایق که فضای خلا آن را به یکباره برداشته آید. با چه فشاری وارد میشود. فکر میکنید سواحل برای چه ساییده شده اند؟ بخاطر برخورد آب نیست بلکه بخاطر حالت خلایق است که ایجاد می شود. یعنی اینها پس از برخورد آنجایی که دارد کشیده میشود علت تخریب سواحل است. گاهی اوقات به ما چیزی میخورد و چون در حال کشیدن است تخریب میکند. پس خیلی باید دقت کرد و پس از اتمام این اعمال باید امتداد داد. یک مساله ای هست که در تعقیبات نماز عنوان شده بود که نماز را به همین علت برایش تعقیبات گذاشته اند. که شما یک لندینگ درست پیدا کنید نه اینکه نماز تمام شد بجهید. انگار یک کسی یقه آدم را گرفته بوده است که بیا اینجا نماز بخوان و به همین علت نماز که تمام میشود ول میکند و می رود. اگر کسی کار دارد فرق میکند اما یک موقع انسان اصلاً بنای تعقیب ندارد. عبادات تعقیب لازم دارد. باید انسان آرام آرام خودش را در معرض این بحث ها بگذارد. وگرنه اگر یک ورزشکار از این المپیک تا المپیک بعدی بخوابد حتماً نتیجه نمی گیرد. المپیک ها و پارالمپیک ها هم در المپیک و در غیر آن به خود فشار می آورند. حواستان به فشار منفیها باشد. این قاعده عبادات است. در حج هم همین است.

اولین موقف موقف محرق احراق است. همه را با این زاویه که گفته می شود نگاه کنید. محرم شدن که حالا کاری به دقائق بحث آن نداریم. ان شاء الله کسانی هم که حج نرفته اند یک حالی در این چیزها بگیرند که بعد ان شاء الله اگر حج رفتند این مباحث را به یاد بیاورند و از ما هم یادی کنند.

سوره مبارکه بقره آیه ۱۹۷ موضوع احرام که در مساجد و میقات هایی که محرم می شوند از هر نقطه ای که محرم می شوند، مسجد شجره است مسجد ذوالخلیفه است مسجد جحفه است جاهایی که ایرانیها از آنجا محرم می شوند. خود اینکه برای اینکه وارد حریم شوی این جامه زهد و ریا به تعبیر امام جامه زهد و ریا گندم و بر تن کردم خرقة پیر خراباتی و هشیار شدم. این جامه دنیوی باید در انسان از بین برود. به ویژه مردها که باید ندوخته و مثل میت بپوشند. بی آرایش بی آرایش. حتی آنچه که باید گره بزنی دوخته نباید باشد. در این حالت باید محرم شوند و وارد آن صحرائی محشر شوند و آماده برای میقات ملاقات پروردگار شوند باید اینها را باید بگذارند و بروند. باید زرق و برق دنیوی را از خود دور کند. در جاهای مختلف آمده که انسان باید زرق و برق را از خودش بکند. در مواقیع مختلف حج و مواقیع مختلف حج این معنا آمده است که شما در ارتباط که با خدا میخواهید قرار بگیرید باید دنیا را کنار بگذارید. حالا در مشعر گفته خواهد شد مگر اندازه یک مقدار دنیا باید برداری که اولاً به نظرت سنگیزه آمده باشد. یعنی در عرفات باید به این معرفت رسیده باشی که مقداری دنیای خالدار برداری. این را باید برداری. تازه این مقدار دنیایی با خودت بر میداری نه دنیای بخور است بلکه این مقدار از دنیا که بر میداری برای مبارزه با شیطان است. یعنی مقداری از دنیا باید برداری. این شایسته و بایسته کار است. بالاخره یک چیز باید بپوشی یک مقداری زرق و برق دنیا باید دنبال باشد. منتها اینها خوردنی نیست. اینها را باید در جیبتان بریزید. حاجی اینها را در کیفش می ریزد. که چکار کند؟ که بر سر شیطان بزند. این مقدار آمادگیهایست برای مبارزه با کفار و منافقینی که سر راه انسان می ایستند. برای اینکه انسان را زمینگیر کنند و نگذارند که انسان به سمت قربانگاه و مطاف برود. باید بایستد و اینها را بزند. این نکته ای باید حذف دنیا کند.

نکته ای که به شدت پیش می آید حالا در حالت احرام منع از یک چیزهایی دارد. منع خیلی دارد اصلاً روح منع زیاد است. یک چیزی که به شدت پیش می آید و شیطان ایستاده است تا کار را بهم بریزد تراکم آدمها هست اتوبوسها هست به شدت این قابلیت زیاد است که انسان مشغول درگیریهایی لفظی شود. شما در ایام حج می بینید که درگیریهایی لفظی بالاست. حاجی هم حواسش نیست که اینجا موقف و میقاتی است که یکی از بدترین کارها را در کاسه حاجی میگذارند و آن این است که شیطان با درگیریهایی لفظی که آدمها برایشان پیش می آید، وقتی که آماده نباشی مثل پینگ پنگ همدیگر را میزنند. انسان باید بداند که یکی از مسائل جدی که پیش می آید مساله زبان است. برای همین در همه این محرمات به شدت عصبانیت شدن بد است و کسانی که عصبی هستند یا حرف زیاد می زنند باید روی خودشان کار کنند. آن تلبیه که گفته میشود که عملاً طرف حساب خدا میشود. خیلی هم نکته عجیبی است. الان مدینه اولیها هنوز محرم نشده اند. (در همه مواقیع من را یاد کنید به خصوص در سعی که افضل اعمال سعی است.)

متأسفانه حاجی بابت یک موز جدل میکند بابت چیزی که به او نرسیده است داد و بیداد میکند. اصلاً به حالت عجیبی که اگر مسافرت معمولی بود این کار را نمیکرد. اصلاً شیطان همین موقع است که حمله میکند.

میگوید الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ یکی از تعابیری که گفتند (؟ دقیقه ۲۸) هرکسی یکبار رفته باشد حج دلش گیر میکند. حالت گودالی دارد و برمیگردد. قَمَنَ قَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ آنکسی که حج بر او واجب میشود و به عبارتی محرم میشود فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ چیزی که مانع از تزود؟ میشود و بهره گیری میشود چیزهایی است که به عنصر زبان مرتبط میشوند. یعنی ناسزاگویی دروغگویی جدال کردن حالا رفث را میشود به عنوان عمل جنسی هم دانست اما این کلمه اصل معنیش به معنای ناسزای جنسی

است یعنی حرفهای زشت زدن. **فَلَا رَقَّتْ وَلَا فُسُوقٌ وَلَا جِدَالٌ فِي الْحَجِّ** جدال در حج نکنید. دروغ در حج نگویید. یعنی زبان را کنترل کنید.

وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزَادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ تقوای من را داشته باشید و این کار را نکنید. این دقیقاً کلید و گذرگاهی است که حاجی به آن مبتلاست. کسی که ارتباط با خدا را شروع میکند این را بداند که این یک حرفی کلی است حاجی یعنی قصد کسی که آمین باشد قصد خانه خدا را کند آمین بیت الحرام باشد، میخواهد به سمت حق حرکت کند از اولین موانعی که برایش پیش می آید مانع زبان است. چند روایت گفته میشود که مهم هستند: **لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّىٰ يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّىٰ يَسْتَقِيمَ لِسَانَهُ** ایمان عبد مستقیم نمیشود مگر قلبش مستقیم شود و قلب او مستقیم نمیشود مگر آنکه زبانش مستقیم شود.

اینکه قران میفرماید **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ** یکی از چیزهایی که واقعا طعم ایمان را کسی می چشد این است که زیاد حرف نزنند. روایت دیگری میگوید **لَا تُكثِرُوا الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ** در غیر ذکر الله زیاد حرف نزنید فان الذين يكثرون الكلام في غير ذكر الله قاسية قلوبهم ولكن لا يعلمون. کسانی که در امر غیر خدا زیاد صحبت میکنند دلشان قساوت میگیرد.

لذا حالا شما یک مقدار حرفهای اخروی زدن اینها، یک موقع است یکسره حرفهای دنیوی زده می شود. مثلا الان انتخابات است، انسان خودش را و دیگران را بیچاره میکند انقدر که پیام از این طرف و آن طرف فوروارد میکند. البته حرفهایی که هم که میزند مبنایی و برای خدا نیست. نمیخواهد انسانها را با چیزی آشنا کند یکسره خبر جابجا میکند. خودش هم متوجه میشود که دارد سیاه میشود. حتی این خندانن های مختلف البته تا یک حدی خنده و لبخند خوب است اما اینکه انسان می نشیند و هی میخندد إن الرجل ليتكلم مردی حرف می زند بالكلمة يضحك بها جلوساة همنشین هایش را می خنداند بیهوی بها أبعد من الثريا این بیش از فاصله زمین و آسمان از خدا فاصله میگیرد که این آدم طنز جوک پرداز خوب نیست. به حدی خندان بد نیست.

مساله زبان و کلام از آن چیزهایی است که در ابتدای میقات برای انسان پیش می آید. وقت گذاری خدا با انسان انسان با خدا یکی از موانع اصلیش مساله زبان است. زبان را باید کنترل کرد به جد. کسانی که فحش میدهند، کسانی که دروغ می گویند، کسانی که دشنام میدهند، ناسزا می گویند، حرفهای بذي اللسان هستند و حرفهای پایین تنه ای زیاد میزنند. روایت است که صبح به صبح زبان از همه اعضا سوال میکند که حالتان چگونه است؟ میگویند اگر تو بگذاری خوب است. یعنی زبان به دلیل اینکه خیلی راحت میتواند گناه کند، گناه های متعدد هم میتواند کند، خطاهای متعدد هم میتواند کند، هیچ شرایطی هم لازم ندارد. مثل گناهان دیگر نیست که باید شرایط و وضعیت مناسب داشته باشد. اینجا این چند مَثقال می بینید که کلی گناه میتواند بکند. **قال رسول الله وَ هَلْ يَكُفُّ النَّاسَ عَلَىٰ مَنَاحِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ** آیا مردم را در آتشی جز دروی زبان می اندازد در آنجا. یعنی زبان موجب قتل میشود، موجب آبروریزی می شود، موجب قذف می شود، موجب هزارتا گناه میشود. البته موجبات بقیه گناهان را هم زبان فراهم میکند. لذا این آیه را که **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ**. ان شالله تا همینجا باشد که این میشود میقات اول.